

آیا طالبان، القاعده، داعش، بوکو حرام و فرقه "خوارج" عصر ما هستند؟

محمد اکرام اندیشمند

نیروهای داعش تمام آثار تاریخی شهر موصل و ولایت نینوا عراق را دیروز (7 حوت 1393) تخریب کردند؛ آنچه را که طالبان افغانستان در حوت 1379 (9 مارچ 2001) بر سر مجسمه بودا در بامیان و سایر تندیس های تاریخی دیگر در موزیم ملی کابل آوردند. این در حالی است که داعش در عراق تا اکنون به نام جهاد و تحقق اسلام و شریعت اسلامی، سر های زیادی را بریدند و بر زنان و دختران اسیر، متعلق به اقلیت دینی و مذهبی دیگر به عنوان کنیز و مال غنیمت، تجاوز کردند. هر چند گزارش کنیز گیری و تجاوز از گروه طالبان در افغانستان و پاکستان وجود نداشته است، اما تمام این گروه ها در کشتار انسانها با شیوه ذبح و سربردن، مشارکت و مشابهت دارند.

برخی از آگاهان و تحلیلگران، گروه های نامبرده را در سده بیست و یکم میلادی با گروه خوارج سده های هفتم و هشتم میلادی در اندیشه و عمل، یکسان تلقی می کنند و این گروه ها را، خوارج عصر حاضر در جوامع مسلمان می پندارند. آیا واقعاً چنین است؟ آیا طالبان، داعش، القاعده و سده 21 میلادی، خوارج سده 7 و 8 میلادی اند؟

خوارج چه کسانی بودند؟

خوارج، شماری از نیروهای حضرت علی در جنگ صفین (سال 37 هجری قمری) با امیر معاویه نام گرفتند که پس از پذیرش حکمیت برای صلح که آنها مخالف آیه 37 سوره انعام (ان الحكم الله) خواندند، نیروهای خلیفه چهارم را ترک کردند و سپس در مقابل هر دو طرف جنگیدند. حضرت علی و طرفدارنش این ها را، "مارقین" نامیدند که به معنی خاچ شدگان از دین بود و برای آنها صفت حقارت بار داشت. هر چند آنها خود را شرأت با الهام و استنباط از آیه 111 سوره "التوبه" (ان الله اشترى من المومنین.....) به معنی و مفهوم فروشنندگان جان خود در راه خدا معرفی می کردند و می نامیدند، اما به "خوارج" شهرت یافتند. خوارج، یعنی گروه شورشی مخالف نظام سیاسی حاکم و حاکمان نشسته بر کرسی قدرت.

خاستگاه و پایگاه اجتماعی خوارج:

بسیاری از افراد و نیروهای خوارج در آغاز ظهور و شکل گیری این گروه به قبایل "بنی حنیفه" و "بنی تمیم" مربوط می شدند. این قبایل در سالهای گسترش اسلام نقش مهم و فداکارانه داشتند و در دوران نخست مخالفت ها علیه خلافت علی (رض) که به جنگ جمل و سپس جنگ صفین انجامید از طرفداران سر سخت و جدی خلیفه چهارم و یا از شیعیان ایشان بودند. حرقوص بن زهیر معروف به ذوالخوبیره از سران طایفه بنی سعد قبیله بنی تمیم از قوماندانها و کلانهای خوارج جدا شده از لشکر خلیفه چهارم اسلام بود که با هزاران مردان شمشیر زن دیگر از صف علی در صفین بیرون شد و در جنگ خونین نهروان با نیروهای وفادار به حضرت

علی جنگید و به قتل رسید. شهر بصره به عنوان شهر نوساز در قلمرو خلافت اسلامی، مرکز فرقه خوارج بود. چونکه بنی تمیم و بنی بکر که بسیاری از اهل خوارج متعلق به آنها بودند، در بصره سکونت یافته بودند. البته سپس گروه خوارج از نظر تعلق قبلیه ای تنها محدود به عشایر این قبایل نشدند، بلکه افراد و دسته های دیگر از سایر قبایل و طوایف به جنبش خوارج پیوستند و در طول دوران خلافت امویان و سالهای نخست خلافت عباسیان سایر بلاد اسلامی خارج از شبه جزیره عربستان گسترش یافت.

خطوط فکری و آیدئولوژیکی خوارج:

خوارج در واقع یک فرقه نظامی، سیاسی، کلامی، مذهبی، اجتماعی بودند که متدرجاً برداشت و قرائت خاص خود را از اسلام ارائه کردند و بر سر تحقق و تطبیق آن جنگیدند. خوارج هر چند به گروه ها و دسته های مختلف، منقسم و منشعب گردیدند و هر کدام با افکار و رفتار متفاوت از نام و آدرس دین ظاهر شدند، اما در بسا موارد قرائت و باور مشترک داشتند. باور ها و دیدگاه های که آن را، حقیقت دریافتی از دین می پنداشتند. خوارج، خلافت دو خلیفه اول اسلام را مشروع می پنداشتند؛ اما خلیفه سوم را در سال های اخیر خلافتش متهم به انحراف از حق و عدالت می کردند و مستوجب عزل و قتل می دانستند. انتصاب خلیفه را به قبيله قریش و عرب الزامی تلقی نمی کردند، تقوی و آرای آزاد مردم را در انتخاب خلیفه از طریق همه پرسی، معیار می پنداشتند. وراثت در جانشینی پیامبر را نمی پذیرفتند. به مساوات مرد و زن باور داشتند و برخی از فرقه های شان مانند فرقه "شبییه"، خلافت و امامت زنان را مشروع می دانستند و تفاوتی در رهبری میان زن و مرد قایل نبودند. تک همسری را برای مردان مسلمان جز در موارد بسیار خاص چون نازایی زن، الزامی می دانستند. به مساوات اقتصادی و به تقوی و عدالت تأکید می کردند، از ظالمان بیزاری می جستند و برغم نابردباری و خشونت ورزی، روحیه فداکاری و ریاضت کشی داشتند. برده سازی و کنیز گیری از مغلوبین و بهره جنسی از کنیز را، قبیح و ناسزا می پنداشتند و با این روش مخالفت می ورزیدند. خوارج، سنگسار را مشروع نمی دانستند. در مورد سوره یوسف با این استدلال که داستان عاشقانه وحی منزل شده نمی تواند، دیدگاه تردید آمیز ارائه می کردند و همچون فرقه معتزله، باور به مخلوق بودن قرآن داشتند. اما خوارج دیدگاه و برداشت خود را از قرآن و اسلام، ابزار تکفیر، خشونت و کشتار ساختند.

تفاوت و تعارض خوارج با گروه های خون ریز و تکفیرگرای عصر حاضر:

علی رغم تشابه و همسانی خوارج در خون ریزی و کشتار مخالفان با گروه های خون ریز و خشونتگرای چون: طالبان، داعش، القاعده و ...، تفکر و دیدگاه دینی این گروه ها در برخی موارد مهم سیاسی و اجتماعی با خوارج نه تنها همسانی و نزدیکی ندارد، بلکه متفاوت و حتی متناقض است.

این گروه ها بر خلاف خوارج، با حقوق مدنی و اجتماعی زنان به شدت مخالفت می ورزند و به هیچ نوع برابری زن و مرد معتقد نیستند. داعش در عصر کنونی سده بیست و یکم میلادی، عصر ماهواره و انترنیت و عصر مدنیت و مدرنیت، رسم بردگی و کنیز سازی و بهره گیری نامحدود جنسی را از کنیزان، احیای سنت جهاد و بازگشت به صدر اسلام و سنت پیامبر تلقی می کند، در حالی که خوارج حتی در سده هفتم و هشتم، کنیز گیری و همخوابگی با آنها را ناپسند تلقی می کرد. طالبان و داعش در عصر حاضر، زنان را سنگسار می کنند، اما خوارج به مشروعیت سنگسار بی باور بودند.

طالبان افغانستان بصورت واضح و روشن ابزار دست استخبارات نظامی پاکستان هستند که از سوی دولت و نظامیان پاکستان در جهت منافع و اهدافشان مورد استفاده قرار می گیرند، و گروه های مشابه دیگر همچون القاعده و داعش نیز ساخته و پرداخته سازمانهای جاسوسی دولت های سلطه گر و سود جو، پنداشته می شوند، اما در تاریخ، هیچگاه از خوارج به عنوان ابراز منافع دولت ها و کشور های خارجی مخالف دولت های مسلمانان نام برده نشده است.